

## تمایزات هویت تمدنی و انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی در گفتمان

سیدحسن نصرالله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶

ایمان عرفان‌منش<sup>۱</sup>

### چکیده

شرق‌شناسی در راستای مقاصد امپریالیسم، به تحکیم و سلطه تمدن غرب کمک فراوانی کرده است. هدف اصلی هویت‌زدایی و تمدن‌زدایی از شرق (به معنای اخص اسلام) بوده است. این اغراض نه تنها در ابعاد سیاسی-اقتصادی، بلکه در ابعاد معرفتی-دانشی (برای مثال، برخی از نظریه‌های علوم اجتماعی) از سوی غرب دنبال شده است. مقاله پیش‌رو نشان می‌دهد چگونه در گفتمان سیدحسن نصرالله، نوعی ساخت‌زدایی و انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی و توجه‌دادن به تمایزات هویت تمدنی اسلامی پیگیری شده است. بدین‌منظور، از روش تحلیل گفتمان (با تأکید بر تحلیل گفتمان استعماری) و روش نمونه‌گیری کامل در میان ۸۵۳ سند الکترونیکی از بیانات سیدحسن نصرالله استفاده شد. یافته‌ها و نتایج در دوازده محور صورت‌بندی شدند: ۱. وجوه سازنده هویت، ۲. عوامل تهدیدکننده هویت، ۳. وارونه‌سازی هویتی توسط استعمارگران، ۴. خنثی‌سازی هویتی توسط جبهه اسلامی، ۵. ماهیت و ابعاد فرهنگ اسلامی، ۶. اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی ایران، ۷. گفتمان آینده‌شناسانه آخرالزمانی، ۸. رویارویی تمدنی حق و باطل، ۹. ابعاد و مصادیق پروژه‌های دشمن چندوجهی، ۱۰. ابعاد و مصادیق وضعیت واقعی دشمنان، ۱۱. عوامل و مصادیق تقویت‌کننده تمدنی و فرهنگی اسلام، ۱۲. گفتمان فقهی.

واژه‌های کلیدی: استعمار، اسلام، تحلیل گفتمان، تمدن و فرهنگ، حق و باطل، سیدحسن نصرالله، شرق‌شناسی، غرب، هویت.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

میان ضرورت انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی و برآمدن تمدن اسلامی، هم در ابعاد معرفتی و هم در ابعاد غیرمعرفتی، رابطه‌ای تنگاتنگ برقرار است. علوم اجتماعی از ارکان معرفتی یک تمدن به‌شمار می‌رود که با مبانی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه آن تمدن اقتران و سازگاری دارد. در تفسیر چنین روابطی، توجه هم‌زمان به چند مقوله شبکه‌ای شده شامل هویت، قدرت، علم و تمدن حائز اهمیت است که سیری را از سطحی ساده به سطحی پیچیده می‌سازد. در این صورت‌بندی اگر از نقش و ارتباط علوم اجتماعی با تمدن مدرن غرب سخن به میان می‌آید، این علوم از بطن آن تمدن زاییده شده‌اند و در راستای اهداف آن عمل می‌کنند. این اتصالات به ایده «تمدن-جامعه‌شناسی» مربوط می‌شوند (عرفان‌منش، ۱۴۰۰). در سطور بعد، روابط مقوله‌های مذکور با موضوع تمدن و شرق‌شناسی (منبعث از علوم اجتماعی) ارائه خواهد شد.

هویت اجتماعی مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا تشابه اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به‌طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۲). همچنین هویت فرهنگی به معنای پایبندی به آداب و رسوم، سنت‌ها و ارزش‌های گذشته رایج و نوین جامعه است؛ به‌گونه‌ای که هم به غرور ملی منجر می‌شود و هم فرد از استقلال برخوردار است (اریکسون، ۱۹۸۷: ۱۱-۲۴). عوامل تاریخی، زبانی و روان‌شناختی در ساختن هویت فرهنگی نقش دارند و نقص یا نبود تناسب در میان آن‌ها سبب بحران فرهنگی و اجتماعی می‌شود (آنتادیوپ، ۱۳۶۱: ۵).

امروزه سؤالات مهم درباره هویت بیشتر به مسئله فرهنگ بازمی‌گردد. هویت در سطح اجتماعی مبتنی بر نوعی تمایز میان ما و آنان است. بنای هویت درون چارچوب‌هایی اجتماعی قرار می‌گیرد که وضعیت عوامل را مشخص می‌کنند. هویت وضعیتی میان خودهویتی (تصویر ما از خودمان) و دیگرهویتی (نقش و سهم دیگران) است. همه جوامع توان یکسانی برای تعیین هویت ندارند؛ زیرا قدرت تعیین هویت به وضعیتی بستگی دارد که جماعت‌ها در نظام روابطی که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، اشغال می‌کنند (کوش، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۵۰). به‌طورکلی تمایلات انسان درون جامعه شکل می‌گیرد. فرد با قرارگرفتن در متن جامعه ارزش‌ها را درونی

می‌کند. پس نظم اجتماعی ریشه در سازمان جامعه، ایستارها و ارزش‌های آن دارد (چلپی، ۱۳۹۵: ۱۱) و ارزش‌ها دو بعد عینی و ذهنی را به‌طور هم‌زمان دارند (چلپی، ۱۳۹۵: ۲۴). میان هویت و قدرت پیوند تنگاتنگی وجود دارد؛ به‌ویژه آن هنگام که منشأ قدرت وجهی سیاسی-ایدئولوژیک داشته باشد. اگر موضع معرفت‌شناسانه حق-باطل که در علوم اجتماعی متعارف غرب غایب است (عرفان‌منش، ۱۴۰۰) مطمح نظر قرار گیرد، آشکار می‌شود که هویت رسانه‌ای و غالب الزاماً مترادف با هویت بر حق نیست. یکی از واقعیت‌های اجتماعی و تمدنی حاکم بر جهان، مبارزه دو گفتمان حزب‌الله و حزب‌الشیطان است که در تحولات کنونی به‌ترتیب، جبهه مقاومت اسلامی و جبهه استکبار صهیونیستی را شامل می‌شود. اینجا شکافی میان جوامع غربی (به معنای مصطلح) و نمایندگانشان با جهان غیرغربی (با تمرکز بر جوامع اسلامی) هویدا می‌شود. شکل‌گیری، جهت‌گیری و پیامدهای این شکاف بر مدار نوعی گفتمان‌گونی در حرکت است که نه تنها نظام سیاسی و اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه نظام معرفتی و دانشی را نیز متأثر می‌سازد.

به‌طورکلی، نوعی پیروزمندی سرمایه‌داری عمیق در گفتمان عمومی، به‌ویژه در آمریکا تحکیم یافته است. این باور که ما هیچ چیز برای امیدستن جز به سرمایه‌داری لیبرال نداریم، به‌صورت یکی از جزم‌های کنونی درآمده است (کالینیکوس، ۱۳۹۷: ۵۵۱). به باور پارتا چاترجی<sup>۱</sup>، اگر یک پویه بزرگ وجود داشته باشد که اندیشه محلی اروپا آن را به تاریخ جهانی بدل کرده باشد، پویه سرمایه است که در دامنه سرزمینی خود، جهانی و همگانی است. روایت سرمایه است که می‌تواند خشونت تجارت، جنگ، نسل‌کشی، غلبه و استعمار را به داستان پیشرفت، توسعه، مدرن‌سازی و آزادی همگانی و جهان‌گستر بدل کند. انباشت سرمایه انهدام جوامع را پیش‌فرض می‌گیرد. در مقابل، تأکید خاص جوامع بر حفظ سنت‌هایشان شکلی از مقاومت را ایجاد می‌کند (چاترجی، ۲۰۲۰: ۲۳۵ و ۲۳۶).

در وجه معرفتی و دانشی می‌توان شاهد تأثیرات ثانوی و ضمنی علوم اجتماعی بود. ژان کلود پاسرون<sup>۲</sup> می‌گوید نمی‌توان از نظریه‌های اجتماعی انتظار شکل یک دانش انباشتی داشت؛

---

1. P. Chatteerjee  
2. J.C. Passeron

زیرا این علوم که نظری-تجربی هستند، جریان تاریخی مربوط به یک بستر معین را ثبت می‌کنند؛ درحالی‌که جریان پیوسته در حرکت تمدن، مشکلات جدیدی را بی‌وقفه برای آن‌ها به وجود می‌آورد (کرکوف، ۱۳۹۲: ۱۳۵). شناخت پدیده‌های اجتماعی به غایت مکانی‌شده (کنترل‌شده‌ترین داده‌های تجربی) می‌تواند منابعی زمینه‌ای شده و وفق چشم‌انداز در نظر گرفته‌شده را در نقشه‌های جهانی بیابند (کرکوف، ۱۳۹۲: ۱۴۰). پس در نظریه‌های اجتماعی رایج، نوعی هژمونی انسان‌شناسی مبتنی بر فهم انسان منفعت‌طلب مستتر است (کرکوف، ۱۳۹۲: ۱۴۴). این موضوع تقریباً معادل با سویه قدرت-دانش در اندیشه میشل فوکو<sup>۱</sup> است.

تقریباً همه اندیشمندان اجتماعی آمریکایی باور دارند که انسان‌ها کم‌وبیش قدرت دارند تا جامعه‌ای نیک بسازند (سیدمن، ۱۳۹۰: ۱۵۶). بخش عمده‌ای از متفکران اجتماعی (اروپایی و آمریکایی) تلاش کرده‌اند تا معلوم کنند کدام عوامل اجتماعی تأثیرگذارند و شیوه زندگی انسانی و اجتماعی امروز را درک کنند. در نتیجه داستانی را حکایت می‌کنند که غرب را در مرکز ماجرا قرار می‌دهند و غیرغربی‌ها را به تماشاچیان یا بازیکنان خرده‌پا در تاریخ جهانی بشر تقلیل می‌دهند. در این صورت‌بندی، جوامع غیر غربی را به صورت جوامع عقب‌مانده، ابتدایی، ایستا و اقتدارگرا بر ساخته‌اند و علوم اجتماعی را به ابزاری برای شرق‌شناسی یا تقابل میان آنچه غرب برتر و شرق فرودست تلقی شده است، تبدیل کرده‌اند (سیدمن، ۱۳۹۰: ۳۵۴-۳۵۶). همواره ما جهان را از منظر یا دیدگاهی خاص می‌شناسیم؛ برای مثال، ممکن است یک دیدگاه به هویت ملی یا تمدنی (مانند غربی و شرقی) اشاره داشته باشد. بر این اساس، دانش تنها به بازنمایی واقعیت نمی‌پردازد، بلکه آن را می‌سازد (سیدمن، ۱۳۹۰: ۳۵۸ و ۳۶۰).

آشپس ناندی<sup>۲</sup> میان دوگونه متفاوت از استعمارگری تمایز قائل است: نخست، معطوف به فتح فیزیکی کشورها بود و دوم، به فتح و اشغال اذهان، هویت‌ها و فرهنگ‌ها مربوط است. پیشگامان گونه دوم، لیبرال‌هایی بودند که ادعا داشتند امپریالیسم پیام‌آور موعود تمدن برای دنیای نامتمدن است. آن‌ها تلاش کردند تا اولویت‌های فرهنگی جوامع هدف را تغییر دهند (گانندی، ۱۳۸۸: ۲۹).

1. M. Foucault

2. A. Nandy

گفت‌وگو حاکم بر امپریالیسم اجازه معنایابی مقاومت را نمی‌دهد و آن را با سازوکارهای گوناگونی درگیر انسداد معنای گفت‌وگویی می‌کند تا آن را از میدان دال و مدلول مطرود سازد. بر همین اساس، هنری مین<sup>۱</sup> معتقد است که تمدن هیچ نیست، مگر نامی برای نظم کهن جهان آریایی که منحل شده است، اما پیوسته خود را تحت انواع گسترده‌ای از نفوذها و تأثیرهای حل‌کننده از نو سامان می‌بخشد (کالینیکوس، ۱۳۹۷: ۱۴۳). به عبارت دیگر، نظام‌های سیاسی فاقد اصول معقول مشروعیت (در نگاه غربی)، تظاهر به داشتن نمایش روشنی از مشروعیت سیاسی می‌کنند که ساموئل هانتینگتون<sup>۲</sup> آن‌ها را رژیم‌های محافظ می‌نامد (هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۷۸-۸۳). اینجا آشکار می‌شود که اگر جماعتی از غیرغربی‌ها از احیا یا ساختن تمدن سخن می‌رانند، نوعی واکنش به حذف‌شدگی گفت‌وگویی است.

تاکنون تلاش‌هایی برای رویارویی با تفکر خود-مدار تمدن غربی صورت گرفته که عظیم‌ترین آن‌ها ظهور انقلاب اسلامی ایران بوده است. در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله-مهدوی امام خمینی (ره)، محل تقریر نزاع به دوگانه حق-باطل بازمی‌گردد تا همه معادلات براساس دال مرکزی قرارگرفتن سنت الهی بر پیروزی کامل حزب‌الله در دنیا سامان گیرد. این گفت‌وگو نشان‌دهنده اصالت تمدن منبعث از تراث انبیای الهی و دین خاتم است؛ بنابراین اگر غرب برای شرق‌شناسی تلاشی مذبح‌خانه کرده است، اکنون نمایندگان احیای تمدن اسلامی (مهدوی) ضمن دنبال کردن اهداف متعالی، به دنبال واسازی انگاره‌های شرق‌شناسی نیز هستند. بر همین مبنا، این مقاله گفت‌وگو سیدحسین نصرالله (دبیرکل حزب‌الله لبنان) را انتخاب کرده است تا مسئله مذکور را براساس مشی تحلیلی گفت‌وگویی نشان دهد.

## ۲. اهداف و پرسش‌ها

هدف این پژوهش، واکاوی و تحلیل تمایزات هویت تمدن اسلامی و انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی به‌عنوان پروژه مستمر استعمارگران و سلطه‌گران در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله است. پرسش‌های این مقاله عبارت‌اند از: ۱. تمایزات هویت تمدنی در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله

1. H. Maine

2. S.P. Huntington

چیست، چرا وجود دارد و چگونه مفصل‌بندی می‌شود؟ ۲. در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله پروژه شرق‌شناسی چگونه انگاره‌زدایی می‌شود؟

### ۳. مرور پیشینه پژوهش

طاهری (۱۳۹۱) در پژوهشی به بازخوانی پیام‌های عاشورا در جنبش حزب‌الله لبنان پرداخت. مهم‌ترین پیام‌های مذکور عبارت‌اند از: آگاهی‌بخشی به مسلمانان، پاسداری از ارزش‌های اسلامی برمبنای امر به معروف و نهی از منکر، معرفی گروه‌های باطل، عزتمندی، ولایت‌مداری، احیای روحیه شهادت‌طلبی، ادای وظیفه جوانان و خانواده به‌منظور ادای تکلیف الهی، الهام‌بخشی نهضت‌های رهایی‌بخش و حرکت انقلابی، همبستگی و انسجام اجتماعی.

باقری (۱۳۹۳) به بررسی ارزش ضدامنیتی جریان‌سازی افراط و تکفیر با تأکید بر نظریه جنگ تمدن‌ها مبادرت کرد. در این پژوهش، سه چالش برای تمدن لیبرال شامل رشد و نفوذ اسلام‌گرایی در جهان، بیداری اسلامی و نفوذ و عمق‌یابی گفتمان مقاومت اسلامی معرفی شده است. ارزش ضدامنیتی جریان‌سازی تکفیر در چند سطح تحلیل شده است: ۱. جهان غرب (مانند ایجاد بحران در سرمایه اجتماعی غرب و ایمن‌سازی جوامع غربی)؛ ۲. جهان اسلام (مانند وحدت‌شکنی و تمدن‌سوزی و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی و اولویت‌های جهان اسلام)؛ ۳. منطقه (مانند تغییر موازنه جبهه مقاومت-سلطه به موازنه شیعه-سنی و بحران‌سازی در سرمایه اجتماعی مقاومت).

مبینی و قاسمی (۱۳۹۸) به تحلیل دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسین نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت اقدام کردند. در نتیجه پنج مضمون فراگیر شناسایی شدند: ۱. برتری در عوامل معنوی و اعتقاد قلبی؛ ۲. برتری در ساختار غیررسمی و تشکیلات توانمند؛ ۳. برتری اطلاعاتی و نظامی-امنیتی؛ ۴. برتری در جایگاه حزبی و ایفای نقش منطقه‌ای، پشتیبانی نظری و عملی منطقه‌ای.

بهرز (۱۳۹۸) در پژوهشی به مؤلفه‌های تأثیرگذاری حداکثری انقلاب اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان اشاره کرده است. موضوعات پخش پیام انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: ۱. اسلام

سیاسی، ۲. اندیشه حکومت دینی (نظریه ولایت فقیه)، ۳. فرهنگ جهاد، مقاومت، ایثار و شهادت‌طلبی، ۴. محوریت روحانیت دینی، ۵. قرارگرفتن مساجد به‌عنوان کانون مبارزات. جمع‌بندی پیشینه پژوهش مشتمل بر این ملاحظات است که اولاً، پژوهش مستقلی درباره نسبت گفت‌وگو سیدحسین نصرالله با پروژه جدید غرب در بحث شرق‌شناسی انجام نشده است و ثانیاً، تمرکز از زاویه هویتی به مسئله نبرد تمدنی دو جبهه حق (حزب‌الله) و باطل (غرب، اسرائیل، سعودی و برخی کشورهای منطقه) صورت پذیرفته است. در این مقاله، دو محور فوق محل تمرکز خواهند بود.

#### ۴. ملاحظات نظری

این مقاله از نظریه امپراتوری و نیز نقد شرق‌شناسی غربی بهره می‌برد (با تأکید بر مورد دوم) که در ادامه به معرفی آن دو می‌پردازیم.

#### ۴-۱- نظریه امپراتوری

از نظر مایکل هارت<sup>۱</sup> و آنتونیو نگری<sup>۲</sup>، آمریکا زمینه‌ساز مهمی برای آن چیزی است که آن دو امپراتوری می‌نامند. امپراتوری غیر از امپریالیسم مربوط به دوره مدرنیته (دارای قدرت مرکزی کنترل) است؛ به طوری که امپراتوری نه تنها می‌خواهد مبانی جهان اجتماعی شامل اندیشه، کنش و گروه‌ها را کنترل کند، بلکه پیش می‌رود و تلاش می‌کند تا از این قدرت برای کنترل جمعیت و سرشت انسانی نیز استفاده کند؛ یعنی هم مغز افراد و هم بدن آنان را کنترل کند. کلید قدرت امپراتوری در این واقعیت قرار دارد که مبتنی بر قدرت قضایی نوینی مبتنی بر اموری مانند برقراری نظم، هنجارها، حقایق و توصیه‌های اخلاقی است. امپراتوری می‌تواند به نام آنچه درست است، در هر جا در جهان دخالت کند تا به آنچه مسائل انسان‌دوستانه می‌پندارد، بپردازد. در نتیجه، صلح را بر کسانی که چه بسا آن را نخواهند یا حتی آن را صلح تلقی نکنند، تحمیل کند و حتی جنگ‌های به اصطلاح عادلانه راه بیندازد. پس دشمن هر فرد یا گروهی است که همین ساخت قضایی او را تهدیدی برای نظم اخلاقی در جهان تلقی کند. از نظر هارت و

1. M. Hardt

2. A. Negri

نگری، پیش‌درآمد نمایش قدرت از سوی امپراتوری، هجوم آمریکا به عراق و افغانستان بود. امپراتوری با ظاهری لیبرال عمل می‌کند و در پی آن است که تفاوت‌ها و مقاومت‌ها را حذف کند (ریترز، ۱۳۸۹: ۴۸۰-۴۸۲).

#### ۴-۲- گفتمان‌مداری سویه‌دار شرق‌شناسی و سنخ‌شناسی آن

شرق‌شناسی به‌منزله یک عمل ذهنی، جهان را به دو بخش دوستان و غریبه‌ها (خودی و غیرخودی) تقسیم می‌کند که کشاکش‌های پایان‌ناپذیر آن دو، تعریف‌کننده امر سیاسی است. شرق همچون دیگران منفی شناخته می‌شود که معرف مرزها و کناره‌های جدال‌آمیز جهان متمدن است (الیوت و ترنر، ۱۳۹۰: ۶۷۹). مریم جمیل<sup>۱</sup> معتقد است شرق‌شناسی مطالعه عینی و بی‌طرفانه اسلام و فرهنگ اسلامی توسط دانشمندان صادق در سنت علمی نیست، بلکه یک توطئه و تباری سازمان‌دهی شده براساس سنت داروینیسیم است که برای تحریک جوانان شرق به شورش علیه ایمان و اعتقاد اسلامی و تحقیر میراث کهن تاریخ و فرهنگ اسلامی طراحی شده است (سردار، ۱۹۹۹: ۵۶).

از نظر فرانتس فانون<sup>۲</sup>، اشاعه روشنگری و پیشرفت غربی به سایر انسان‌ها وظیفه و تقدیر اروپا و آمریکا است که کانون‌های خرد و تمدن هستند. این رسالت غرب است که بشریت را از ظلمت سنت به روشنایی تمدن رهنمون شود. سلطه استعماری غرب به خوارکردن و انهدام فرهنگ دیگر جوامع می‌پردازد. در همین راستا، ادوارد سعید<sup>۳</sup> بر این باور است که تشکیل بقای امپراتوری در تاریخ مدرن غرب بیش از هر چیز با طرد هویتی و فرهنگی فرایند انقیاد مذکور شکل می‌گیرد. سعید، تفسیری فرهنگی از استعمار ارائه می‌دهد که طبق آن، غرب نماد پیشرفت اجتماعی، عقلانیت و برتری و شرق نماد عقب‌افتادگی، نابهنجاری و خطرناک جلوه داده می‌شود. در این تقسیم‌بندی نمادین جهانی، شبکه‌ای از گفتمان‌ها، بازنمایی‌ها، دانش‌ها و باورهای قومی شکل می‌گیرد که شرق‌شناسی نامیده می‌شود. پس شرق نیازمند کنترل و مهار از سوی غرب است (سیدمن، ۱۳۹۰: ۳۴۵-۳۴۸). اگر غرب به اقتضای مراحل مختلف نوگرایی در گستره تاریخی پرورده شده، شرق غیرتاریخی و ایستا همواره بیرون از تاریخ قرار گرفته است.

---

1. M. Jameelah  
2. F.O.Fanon  
3. E.W. Said



از انگیزه‌های اساسی در مطالعات پسااستعماری ارائه خوانشی مقاومت‌آمیز در برابر قدرت در اشکال استعماری، نواستعماری، پدرسالارانه، گفتمانی و مادی آن برای برهم‌زدن شناخت‌شناسی این قدرت، دعاوی حقیقت و راهبردهای بازنمایی آن است (سردار و وان‌لون، ۱۳۸۸: ۱۱۷). این رویکرد، ارزش‌ها و سنت‌های فکری و ادبیات غرب را به دلیل هواداری از نوعی قوم‌گرایی سرکوبگر مقصر می‌داند؛ زیرا الگوهای اندیشه غربی سنت‌ها و صورت‌های فرهنگی زندگی و بیان غیرغربی را به حاشیه می‌راند یا نادیده می‌گیرد. نگاه پسااستعماری موظف است به تغییر چیزی که از طریق دستکاری اقتدار و اعتبار خطوط روایت غرب شکل گرفته و با بازبینی و ازجا کردن ادعاهای گفتمان‌های غرب‌مدار و تصرف دستگاه ارزش‌گذاری آن‌ها، متعهد به عقب‌راندن نشان است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۸ و ۲۰۹).

امپریالیسم از طریق فرهنگ، سلطه خود را نهادینه و این ایده را ترویج می‌کند که انسان شرقی حق ندارد حتی تاریخ خود را روایت کند. امپریالیسم فقط با روابط سلطه سروکار ندارد، بلکه نوعی ایدئولوژی توسعه و پیشرفت نیز با خود به همراه دارد. اقتدار امپریالیسم، عبارت از ایستار ذهنی و فکری است؛ به گونه‌ای که بقبولانند که سلسله‌مراتبی در نژادها و تمدن‌ها وجود دارد و ما متعلق به نژاد برتر و تمدن بالاتری هستیم. این بنیانی خواهد بود که امپریالیسم خود را محق می‌داند که کل بشریت را مدیریت کند (سعید، ۱۳۸۲: ۵۷). شرق‌شناسی به دنبال این است که شرقی‌ها را به عنوان تصویری منفی به عنوان غیر یا دیگری برسازد تا تصویری مثبت و متمدن از جامعه غرب ارائه دهد. شرقی‌ها از جنبه‌هایی همانند دیوانگان، منحرفان و تبهکاران فوکو هستند. همه آن‌ها موضوع گفتمان‌ها و روایت‌های نهادینه شده هستند که شناسایی، تحلیل و کنترل می‌شوند. در علوم اجتماعی، تبیین‌های نفی-بنیاد، نمود کلاسیک خود را در مفهوم استبداد شرقی در مبحث تولید آسیایی کارل مارکس<sup>۱</sup> و در تحلیل پدر-شاهی موروثی ماکس وبر<sup>۲</sup> می‌یابد (ترنر، ۱۹۷۴).

ویژگی‌های کلیشه‌ای منتسب به شرقی عبارت هستند از: متحجر، متعصب، عقب‌مانده، تروریست، شهوت‌پرست، تنبل، احساسی، فاقد عقلانیت، بدوی، فاقد ارزش‌های اخلاق مدنی،

---

1. K. Marx  
2. M. Weber

خشن و شرور، تندرو، جنگ‌طلب، بنیادگرا، ایستا، فاقد تاریخ یا در حاشیه آن، فاقد طبقه متوسط، دچار فرسودگی شهروندی، فقیر، ساده، خیانتکار. همچنین کلیشه‌های منتسب به غربی عبارت هستند از: خردورز، دموکرات، پیشرفته، مدرن، صلح‌طلب، مسئولیت‌شناس، قربانی جهل شرقی، آزاد، پویا، مرکز تاریخ. این قبیل انگاره‌ها کلیشه‌های شمایل‌انگارانه<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند.

مفاهیم جفتی ما را به این فکر و می‌دارد تا جهان اجتماعی را به گونه‌ی دویاره‌ای ببینیم که ما را به گزینش یکی از آن دو فرامی‌خواند (کرکوف، ۱۳۹۲: ۱۵). استدلال میشل فوکو این است که صورت‌بندی‌های گفتمانی بر محور تباین‌ها و دوگانگی‌های منفی و مثبت برساخته می‌شوند. ادوارد سعید نوعی نشانه‌شناسی قدرت شرق‌شناسی را پیشنهاد کرده است. اسلام با دشمنی و وحشت ویژه‌ای که بدان نگریسته می‌شود، هسته اصلی گفتمان و ایدئولوژی شرق‌شناسی است. در این راستا، غرب تلاش می‌کند تا اسلام را به‌عنوان خطر و تهدیدی برای جوامع غربی و مسلمانان را به‌عنوان بنیادگرا به تصویر بکشد و جنبش‌های احیاءگرای اسلامی را تحت عنوان سازمان‌های تروریستی نام‌گذاری کند. اکنون بسیاری از غرض‌ورزی‌های غرب نسبت به اقلیت‌ها مانند یهودیان یا مارکسیست‌ها به دین اسلام منتقل شده است. رسانه‌ها به ساختن انگاره‌ای از اسلام کمک می‌کنند که مخاطبان‌شان را نسبت به این دین مشکوک سازند. در نتیجه اسلام یک ذات شرارت‌بار و شیطانی معرفی می‌شود.

در مجموع، سنخ‌شناسی شرق‌شناسی که غرب‌شناسی (مربوط به خود غربیان) نیز محصول آن است، به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود (الیوت و ترنر، ۱۳۹۰: ۶۸۴):

۱. شرق‌شناسی منفی/بیرونی یا همان شرق‌شناسی کلاسیک که طرد نقادانه دیگری به دلیل بیگانگی و خطرناکی است و در قالب‌های عرب تنبل و یهودی سرگردان خود را می‌نمایاند؛
۲. غرب‌شناسی مثبت/درونی اجتماعاتی را درون دولت-ملت می‌پذیرد که بیان مثبتی از هویت و آگاهی هستند؛ مثلاً در انگلستان دوران ویکتوریا دیدگاه رمانتیک مثبتی درباره اسکاتلندی بودن وجود داشت؛
۳. غرب‌شناسی منفی/درونی که مغایر مورد قبل است؛ مثلاً ایرلندی را فردی خطرناک، ترحم‌برانگیز و دشمن می‌داند که در دستگاه حکومتی بریتانیا رشد می‌کند؛

۴. شرق‌شناسی مثبت/بیرونی این گونه است که مثلاً مردم بومی آمریکای شمالی (سرخ‌پوستان) را به منزله وحشی اشرافی بازشناسی می‌کند.

این مقاله سنخ‌های اول (نگاه غرب به شرق) و دوم (نگاه غرب به غرب) را مطالعه می‌کند.

#### ۵. روش تحقیق

این مقاله از روش تحلیل گفتمان استفاده می‌کند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که تحلیل گفتمان دارای اتصالات رفت و برگشتی نظری-روشی است. به‌همین دلیل، ملاحظات نظری مقاله به تقویت شناسایی نشانگان متن (به‌منزله گفتمان)، نقاط تمرکز، آشکارسازی دوگانه‌ها، هویت‌سازی، برجسته‌سازی یا حاشیه‌رانی، غیریت‌سازی، دال‌ها و مدلول‌ها و مؤلفه‌های گفتمانی کمک می‌کند. دو موضع تحلیل گفتمانی برای مسئله مقاله سودمند تشخیص داده شدند که عبارت هستند از مواضع جیمز پال گی<sup>۱</sup> و بنیتا پری<sup>۲</sup> که در ادامه تکنیک‌های روشی آنها معرفی می‌شوند. تمرکز موضع اول بیشتر بر ملاحظات تکنیکی و تمرکز موضع دوم عمدتاً بر ملاحظات نظری-روشی است.

در دیدگاه جیمز پال گی، زبان یک مفهوم و مبنای اساسی و بنیادی برای شکل‌گیری و فهم گفتمان‌ها است. انسان‌ها پدیده‌ها و اشیا را از طریق زبان می‌سازند و درک خود از جهان اجتماعی را بازتولید می‌کنند. تحلیل گفتمان هم شامل وجوه دستوری و توصیفی زبان و هم شامل بازنمایی حضور، اعتقاد، ارزش و احساس است. گی چند سؤال اساسی را در رابطه با تحلیل گفتمان مطرح می‌کند (گی، ۲۰۰۵):

۱. معنا یعنی زبان برای معناسازی است؟ ۲. فعالیت‌ها یعنی چه فعالیت‌هایی قسمتی از زبان را برای وضع کردن مورد استفاده قرار می‌دهد؟ ۳. هویت‌ها یعنی زبان برای مشخص کردن نقش است یا هویت؟ ۴. روابط یعنی زبان برای ساختن روابط اجتماعی است؟ ۵. سیاست یعنی زبان برای هدایت و توزیع کالاهای اجتماعی است که چه چیزی بهنجار، حق، خوب، درست، مناسب، متناسب، ارزشمند، راه ممکن، راه غیرممکن، وضعیت بالا یا پایین، شبیه به من یا متفاوت با من تلقی می‌شود؟ ۶. اتصالات یعنی زبان برای اتصال و ارتباط یا عدم اتصال اشیا به

1. J.P. Gee

2. B. Parry

یکدیگر است؟ ۷. نظام‌ها و دانش نشانه یعنی چگونه زبان نظام‌های نشانه‌ای خاصی را ارجحیت می‌بخشد یا از آن سلب رجحان می‌کند (مثلاً یک گروه یا قوم را در برابر گروه یا قوم دیگر برتری می‌دهد)؟

بنیتا پری بازان‌دیشی جدی و پرشوری که نقد را محور قرار می‌دهد و درصدد تضعیف واقعیت‌های تولیدشده توسط قدرت‌های استعماری است، تحلیل گفتمان استعماری می‌نامد. محور اصلی این تحلیل گفتمان، افشای چگونگی پیدایش ایدئولوژی استعماری، نحوه عمل و تأثیرات آن است که به کمک آن بتوانیم به شالوده‌شکنی امتیازها و تبعیض‌ها بپردازیم. این تحلیل گفتمان به ما امکان می‌دهد تا تردیدهای درونی و مواردی از مقاومت را که غرب در جریان جهانی‌سازی سرکوب کرده است، آشکار کنیم و از نمای ظاهراً همگن و یک‌دستی که امپریالیسم و سرمایه‌داری از دیرباز کوشیده‌اند ارائه دهند، ساختارشکنی کنیم. (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

عملاً تحلیل گفتمان استعماری زمینه‌انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی را فراهم می‌کند.

پژوهشگر با مراجعه به تارنمای رسمی مقاومت یعنی <http://moqawama.ir> که بیانات سیدحسین نصرالله در آنجا منعکس می‌شوند، به واکاوی بیانات براساس کلیدواژه‌های راهنما شامل تمدن، فرهنگ، توسعه، هویت، شرق، غرب، استعمار، رسانه و نخبگان پرداخت. بازه زمانی تحقیق، سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۱ است. با توجه به اهمیت مسئله مقاله، نمونه‌گیری کامل شامل ۸۵۳ سند انجام شد. سپس براساس دلالت‌های روشی-نظری گی و پری، مواضع تکنیکی برای تحلیل گفتمان پیگیری شدند.

## ۶. یافته‌های تحقیق

پس از تحلیل گفتمان انجام‌گرفته بر بیانات سیدحسین نصرالله، یافته‌های مربوط به تمایزات هویت تمدنی و انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی در محورهای زیر ارائه می‌شوند. اشاره به دو نکته لازم به نظر می‌رسد: نخست آنکه به سبب جلوگیری از اطناب یافته‌ها، در این بخش تعدادی از ارجاعات مربوط به بیانات آورده شده و در بخش پیوست مقاله، فهرست کامل لینک بیانات قرار داده شده است؛ دوم آنکه در سراسر متن منظور از اسرائیل، رژیم غاصب صهیونیستی است که به‌منظور رعایت اختصار، ناگزیر از اسرائیل استفاده شده است.

## ۶-۱. وجوه سازنده هویت

گفت‌وگو سیدحسین نصرالله دربرگیرنده هویت‌هایی مانند تمدنی، دینی، اجتماعی، تاریخی، معنوی، ارزشی، ایمانی، شهری، عربی، سیاسی، اسلامی مقاومت و حزب‌الله است. وی تلاش کرده است تا حلقه اتصال هویت تمدنی را هویت واحد اسلامی معرفی کند؛<sup>۱</sup> بنابراین، سایر هویت‌ها در عرض هویت تمدن اسلامی نیستند.

### جدول ۱. وجوه سازنده هویت در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله

شعائر حسینی بخشی از هویت تمدنی، دینی، اجتماعی و تاریخی / مقاومت بخشی از هویت معنوی و ارزشی نظیر اصحاب حسینی / ساخت مساجد و برپایی نماز به‌عنوان بخشی از هویت ایمانی و دینی / ایستادگی و فرزندآوری فلسطینیان عامل تقویت هویت شهری / اهمیت مقاومت در حفظ هویت عربی / اهمیت مقاومت برای داشتن هویت سیاسی / هویت واحد به‌عنوان عامل اتحاد خرده‌هویت‌های موجود در منطقه / ضرورت حمایت از اماکن مقدس عراق براساس هویت، کرامت و شجاعت عربی / تلاش و جهاد برای هدایت مردم و اقامه عدل به‌عنوان یکی از ارکان هویت دینی / علم‌آموزی به‌عنوان بخشی از هویت مقاومت و حزب‌الله / افتخارکردن حزب‌الله به داشتن هویت اسلامی / علم و معرفت به‌عنوان مقوم ایمان و دین در اسلام

## ۶-۲. عوامل تهدیدکننده هویت

نه تنها مستکبران خارجی شامل آمریکا، غرب و اسرائیل، بلکه جریان‌های درونی همچون سعودی<sup>۲</sup> نیز از مخاطرات جدی برای هویت تمدن اسلامی به‌شمار می‌روند. از جمله تهدیدات، برجسته‌سازی هویت عربی<sup>۳</sup> و حاشیه‌رانی هویت دینی و اسلامی است.

### جدول ۲. عوامل تهدیدکننده هویت در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله

تلاش کشورهای مستکبر برای ایجاد تغییر معنا در هویت عربی به‌سمت سرسپردگی؛ مطرح‌کردن هویت عربی از سوی غرب و سعودی به‌عنوان نسخه‌ای سیاه از اسلام؛ برجسته‌سازی هویت عربی توسط غرب و سعودی برای دست‌شستن از حمایت از فلسطین؛ یهودی‌سازی برای تغییر هویت قدس توسط رژیم اسرائیل؛ به‌رسمیت‌نشناختن هویت مستقل سایر ملت‌ها از سوی سعودی؛ عادت‌داشتن ذائقه عربی به داشتن رهبر، زعیم و قهرمان و نه کار سازمانی؛ امکان غلبه عاطفه، کینه، علاقه و تنفر بر مصالح کلان در میان شرقی‌ها

1. <http://moqawama.ir/?speech=960819>

2. <http://moqawama.ir/?speech=970408>

3. <http://moqawama.ir/?speech=970124>

### ۳-۶. وارونه‌سازی هویتی توسط استعمارگران

همان‌طور که در پروژه قدرت-دانش شرق‌شناسی اشاره شد، برساختن جفت‌های معنایی با مرکزیت غرب و مطروودسازی اسلام (شرق) کمک می‌کند تا جریان سلطه و استعمار بتواند خود را غالب سازد. در این راستا، از اسم‌سازی و مصادره به مطلوب نیز استفاده می‌شود (مثلاً معادل قراردادن جنبش حزب‌الله با تروریسم<sup>۱</sup>). سیدحسین نصرالله این پروژه برآمده از شرق‌شناسی را آشکارسازی کرده است.

#### جدول ۳. وارونه‌سازی هویتی توسط استعمارگران در گفتمان سیدحسین نصرالله

مخدوش کردن چهره اسلام در میان خود مسلمانان از طریق رسانه‌ها؛ ارائه‌شدن صحنه‌ای از اسلام به‌عنوان عامل جنگ، ویرانی، کشتار و جنایت؛ توهین، جعل و دروغ‌گویی رسانه‌ای علیه پیامبران، اسلام، تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مقاومت؛ تروریست‌خواندن حافظان اماکن مقدس عراق از سوی برخی عرب‌ها / تلاش دشمنان برای ارائه الگویی وحشیانه، وحشتناک و زشت از اسلام؛ تکفیرکردن حزب‌الله از سوی برخی نیروهای سیاسی و نه از سوی مردم؛ نگاه پادشاهی سعودی به ملت‌های عرب به‌منزله رعیت؛ تلاش رسانه‌ای غرب برای القای اسلام تروریست یا تندرو به بهانه داعش؛ محاصره رسانه‌ای حزب‌الله برای شیطانی معرفی کردن آن؛ تلاش رسانه‌ای علیه مقاومت برای سبک‌مغز، سخیف و مسخره نشان دادن آن؛ افراطی، تکفیری و قاتل نشان دادن حزب‌الله در رسانه‌ها

### ۴-۶. خنثی‌سازی هویتی توسط جبهه اسلامی

در مقابل بازنمایی رسانه‌ای و گفتمانی غرب از اسلام، راهبرد خنثی‌سازی در گفتمان سیدحسین نصرالله ملاحظه می‌شود. به‌طورکلی وی معتقد است بهترین شیوه، رفتارکردن براساس الگوهای واقعی اسلامی است<sup>۲</sup> تا تصویر صحیح اسلام عملاً به دیگران معرفی شود. آنچه از اسلام به‌عنوان توحش نمایانده می‌شود، صرفاً گفتمان فرهنگ‌وهابی است<sup>۳</sup> که نباید آن را به فرهنگ اسلامی تعمیم داد.

1. <http://moqawama.ir/?speech=980803>

2. <http://moqawama.ir/?speech=970727>

3. <http://moqawama.ir/?speech=951003>

#### جدول ۴. خنثی‌سازی هویتی توسط جبهه اسلامی در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله

ضرورت ارائه الگوی متفاوت از پیروان اسلام به‌عنوان انسان‌هایی مؤمن، فداکار، متمدن، بااخلاق، مؤدب و مهربان؛ ضرورت تصحیح الگوی نادرست دشمنان از طریق الگوهای رفتاری از سوی تمامی مسلمانان جهان؛ روحیه غیرت نسبت به ناموس در میان شرقی‌ها؛ وجود عاطفه، دلسوزی و محبت به خانواده در میان شرقی‌ها؛ برگزاری انتخابات در سوریه نشانه‌ای از وجود مفهوم شهروندی؛ فرهنگ وهابی به‌عنوان فرهنگی وحشی؛ وجود موضع ضد جنگ حزب‌الله

#### ۵-۶. ماهیت و ابعاد فرهنگ اسلامی

با توجه به محورهای پیش، فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله ماهیت و ابعادی دارد که از برجسته‌ترین آن‌ها توجه به اصل مقاومت، زندگی<sup>۱</sup>، موسم عاشورایی<sup>۲</sup> و فطرت<sup>۳</sup> است. این فرهنگ در زندگی شخصی، کاری و رسانه‌ای سرریز می‌شود. همچنین برخی عرب‌ها از فرهنگ اسلامی به‌دلیل فارسی‌بودن بخشی از زبان آن، از آن محروم مانده‌اند.<sup>۴</sup>

#### جدول ۵. ماهیت و ابعاد فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو سیدحسین نصرالله

شهادت جزئی از فرهنگ ایمانی اسلام؛ خدمت به مردم و فراهم‌کردن امنیت و سعادت آنان به‌عنوان بخشی از فرهنگ و ایمان اسلامی؛ فرهنگ مقاومت به‌منزله فرهنگ زندگی؛ عاشورا به‌عنوان موسمی فرهنگی، فکری، تربیتی، معنوی و جهانی؛ امید جزئی از فرهنگ اسلامی؛ اهمیت مسئولیت انسان در سطوح مختلف از جمله فرهنگ؛ محروم‌بودن برخی عرب‌ها از فرهنگ اسلامی به‌دلیل فارسی‌بودن بخشی از زبان آن؛ مقاومت به‌عنوان یک فرهنگ ریشه‌دار و نه حرکتی احساسی و زودگذر؛ فرهنگ به‌عنوان جنس گوهر مقاومت و برآمده از فطرت؛ فرهنگ اسلامی به‌مثابه قدرت حقیقی ما؛ مقاومت به‌عنوان یک فرهنگ و روش و نه یک گروه؛ انتقال فرهنگ‌ها از درون ملت‌ها و امت‌ها؛ حرمت‌داشتن انسان در دین، فرهنگ و عقیده مسلمانان و مسیحیان؛ قدس به‌منزله بخشی از فرهنگ و تمدن ما؛ اهمیت صداقت، تعهد و اخلاص رسانه‌ای برای مقاومت

#### ۶-۶. اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی ایران

گفت‌وگو سیدحسین نصرالله منبعث از گفت‌وگو انقلاب اسلامی ایران است. در بیانات وی، اشاراتی به اهمیت و جایگاه امام خمینی (ره)، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای [رهبر انقلاب اسلامی]<sup>۵</sup> و شهید سلیمانی<sup>۶</sup> شده است. از جمله برجسته‌ترین تعبیر گفت‌وگویی، ارائه تمدن جایگزین از سوی انقلاب

1. <http://moqawama.ir/?speech=980421>

2. <http://moqawama.ir/?speech=970628>

3. <http://moqawama.ir/?speech=930109>

4. <http://moqawama.ir/?speech=930523>

5. <http://moqawama.ir/?speech=930503>

6. <http://moqawama.ir/?speech=981124>

اسلامی است که نه تمدنی فارسی، بلکه تمدنی اسلامی (وحدت‌بخش) است.<sup>۱</sup> این جریان باید الگویی برای سایر کشورهای منطقه شود.<sup>۲</sup>

#### جدول ۶. اهمیت و جایگاه انقلاب اسلامی ایران در گفتمان سیدحسین نصرالله

تلاش امام خمینی برای مشخص کردن هویت حکومت اسلامی؛ ساختن جایگزینی تمدنی از سوی امام خمینی در قرن بیستم؛ روح انقلابی و روح مقاومت از آثار حرکت امام خمینی؛ مقاومت اسلامی لبنان از آثار نفس‌های امام خمینی؛ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری متمدن و قدرتمند و دارای ثبات، امنیت، اراده و مردم‌سالاری؛ جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نعمت بزرگ الهی؛ ضرورت داشتن موضع تولید علمی مانند ایران در مقابل تمدن غرب؛ وجود تمدن اسلامی در ایران و نه تمدن فارسی؛ نقش ایران در توسعه منطقه؛ پیروشدن انقلاب اسلامی ایران بدون تکیه به شرق و غرب؛ بیرون‌کردن آمریکا از ایران به‌منزله نقطه تمایز انقلاب اسلامی؛ حرکت امام خمینی نشان‌دهنده فرهنگ مسئولیت‌پذیری، استقلال، تسلیم‌نشدن در برابر ماده‌گرایی و حمایت از مستضعفان؛ انقلاب اسلامی ایران دارای فرهنگ عدم تناقض میان احساس تعلق به قوم و وطن با احساس تعلق به دین و ایمان؛ روحیه انقلابی امام خمینی برآمده از عاشورای حسینی؛ تولدی نو برای معنویت و فرهنگ مقاومت در پی شهادت سردار سلیمانی و همراهانش؛ انقلاب اسلامی ایران به‌منزله نقطه عطفی در تاریخ تشیع و تحولات فرهنگی؛ پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک الگو برای کشورهای غربی و اسلامی؛ زنده و مستحکم کردن فرهنگ جهاد، زندگی، فداکاری، یاری مستضعفان، ارزش‌های معنوی، اعتماد به مردم و باور به تمدن از سوی امام خمینی؛ نقش شهید سلیمانی در وحدت‌بخشی به گروه‌های مختلف مقاومت؛ ایران به‌عنوان اولین قدرت منطقه و تهدیدی برای پروژه سلطه در منطقه؛ ترقی‌یافتن ایده وحدت اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران؛ ایران قلب تپنده اسلام

#### ۶-۷. گفتمان آینده‌شناسانه آخرالزمانی

وجود ادبیات آخرالزمانی در گفتمان سیدحسین نصرالله به‌طرز عریان و بارزی ملاحظه می‌شود. با توجه به سنت الهی<sup>۳</sup> و فلسفه تاریخ اسلامی مبنی بر پیروزی نهایی حق، آینده‌شناسی (قائم بر حتمیت) مندرج در گفتمان وی را تحت‌الشعاع قرار داده است. سیدحسین نصرالله از یک سو به مسئولیت تمدنی<sup>۴</sup> برای ظهور امام زمان (عج)<sup>۵</sup> و از سوی دیگر به باور صهیونیستی درباره آرماگدون<sup>۶</sup> و نسبت آن با دجال<sup>۷</sup> اشاره کرده است.

1. <http://moqawama.ir/?speech=880327>

2. <http://moqawama.ir/?speech=910325>

3. <http://moqawama.ir/?speech=970119>

4. <http://moqawama.ir/?speech=910111>

5. <http://moqawama.ir/?speech=970612>

6. <http://moqawama.ir/?speech=961013>

7. <http://moqawama.ir/?speech=900915>



### جدول ۷. گفتمان آینده‌شناسانه آخرالزمانی در گفتمان سیدحسین نصرالله

عربی و اسلامی باقی ماندن هویت، تمدن و تاریخ منطقه به‌رغم خواست همه مستکبران؛ مسئولیت محافظت و توسعه کمی و کیفی جبهه مقاومت برای تقدیم آن به امام زمان؛ تلاش اسرائیل برای مشغول کردن کشورهایمانند ایران و عراق با فتنه برای جلوگیری از نبرد آن‌ها با اسرائیل بر طبق آموزه‌های یهود؛ پیروزی مقاومت‌کنندگان حتی با وجود کثرت طرف مقابل به‌عنوان یک سنت الهی؛ نگاه دینی آمریکا و اسرائیل به قدس و تلاش برای راه‌اندازی آرماگدون؛ آمریکا دجال منافق حامی نظام‌های دیکتاتوری در منطقه؛ نزدیک شدن به زوال پروژه ضد مقاومت و وقوع تحولات عظیم در آینده برای منطقه؛ زنده نگه داشتن قدس به‌عنوان یک امتحان و حجت الهی و مسئولیت تاریخی

### ۶-۸. رویارویی تمدنی حق و باطل

اوج گفتمان سیدحسین نصرالله درباره تمایزات هویت تمدنی و انگاره‌زدایی از شرق‌شناسی در محور رویارویی تمدنی دو جریان حق و باطل متبلور می‌شود. وی از تعبیری نظیر جنگ، تضاد، نبرد، سلطه، هژمونی، استعمار و استکبار استفاده کرده است. اشاره به حسینی‌های زمان و یزیدیان زمان<sup>۱</sup> یکی از اسم‌سازی و برجسته‌سازی‌های معانی در میدان گفتمان‌گونه‌ی سیدحسین نصرالله است؛ به‌طور مثال، پروژه داعش پروژه‌ای برای برهم‌زدن معادلات تمدنی یا داغ‌زدن آگاهی‌ها<sup>۲</sup> بوده است.

### جدول ۸. رویارویی تمدنی حق و باطل در گفتمان سیدحسین نصرالله

نبرد با اسرائیل: یک حق دینی، تمدنی، اخلاقی، انسانی و قانونی؛ پروژه داعش برای ریشه‌کن کردن تمدن به‌منظور آماده‌شدن شرایط برای سلطه آمریکا و اشغال اسرائیل؛ انزوای کشورهای عرب در برابر حمایت از فلسطین به‌عنوان بخشی از نبرد سیاسی، رسانه‌ای، روانی و تمدنی اسرائیل؛ تلاش قدرت‌های سلطه‌گر برای ایجاد هژمونی فرهنگی، تمدنی و ارزشی در جهان اسلام؛ اسرائیل: خط مقدم و نماینده پروژه استکباری و استعماری قدیم و نوین برای نابودی فرهنگ و تمدن منطقه و ملت‌ها؛ تضاد منطقه به‌عنوان تضاد فکری، فرهنگی، معنوی و تمدنی؛ تضاد منطقه نوعی تضاد میان عقل، فطرت و دین از یک سو و خدمت به استکبارگران از سوی دیگر؛ سعودی و رسانه‌هایشان به‌دنبال نابودی تاریخ و تمدن؛ قراردادن در برابر چالش‌های خطرناک تمدنی و فرهنگی؛ اسرائیل به‌عنوان تهدیدی تمدنی؛ پروژه آمریکا و صهیونیسم به‌عنوان یزیدیان زمان علیه تمدن و مقدسات اسلامی و ضرورت مقاومت حسینی‌ها؛ نبرد دفاعی با اشغالگران به‌عنوان موضوعی فکری و تمدنی؛ اسرائیل به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن در جهان؛ جنگ منطقه ناشی از همراهی غرب، سعودی، اسرائیل و در مواردی ترکیه؛ دوباره قرارگرفتن برخی کشورهای منطقه در معرض استعمار مستقیم توسط غربی‌ها؛ سلطه همه‌جانبه به‌عنوان هدف آمریکا در مقام وارث استعمارگران سنتی (فرانسه و بریتانیا)؛ نابودی فرهنگ و تاریخ منطقه به‌عنوان هدف پروژه تکفیر؛ وجود نبرد فرهنگی، معنوی و روانی یا داغ‌زدن آگاهی‌ها میان جبهه مقاومت با اسرائیل؛ تلاش بین‌المللی برای براندازی فرهنگ، تمدن، جهاد، ارزش‌ها، مقاومت، امت، شهادت و نظریه ولایت فقیه در ایران؛ نبرد با اسرائیل به‌عنوان نبرد با اصل و نبرد با تکفیری به‌عنوان نبرد با وکیل

1 <http://moqawama.ir/?speech=910905>

2 <http://moqawama.ir/?speech=941006>

## ۶-۹. ابعاد و مصادیق پروژه‌های دشمن چندوجهی

دشمن‌شناسی در گفتمان سیدحسن نصرالله، چندوجهی و شامل دشمنان بیرونی و داخلی است. آمریکا، انگلیس، فرانسه، اسرائیل و سعودی از دشمنان همیشگی و البته برخی کشورهای منطقه از دشمنان اقتضایی هستند. انواع حربه‌ها و خدعه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی، رسانه‌ای و سایبری، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و هنجاری نشان‌دهنده تلاش بی‌وقفه و سازمان‌دهی شده کفار و منافقان زمانه است. دسیسه نخبه‌نما شده تفرقه میان مذاهب، به‌ویژه سنی و شیعه<sup>۱</sup>، یکی از مصادیق بارز پروژه‌های دشمن است.

## جدول ۹. ابعاد و مصادیق پروژه‌های دشمن چندوجهی در گفتمان سیدحسن نصرالله

هدف آمریکا و اسرائیل برای سلب امنیت به‌عنوان شرط ثبات و توسعه آن‌ها؛ سرسپرده کردن هدف غرب از جنگ و نه برقراری دموکراسی، انتخابات، اصلاحات، حقوق بشر، توسعه و درمان فقر و بی‌سوادی و بیماری؛ ایجاد جنگ و تنش داخلی در منطقه از سوی انگلیس به‌عنوان استعمارگر بین‌المللی برای جلوگیری از نهضت‌های اسلامی؛ جنبه فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان خطرناک‌ترین جنبه جنگ سلطه‌گران علیه اسلام (جنگ نرم)؛ پروژه فتنه و اختلاف‌افکنی دشمنان میان امت اسلامی به بهانه فلسطین؛ تلاش آمریکا، بریتانیا و فرانسه برای منحرف کردن جریان بیداری اسلامی؛ نظام دیکتاتوری برخی کشورهای منطقه به‌عنوان نتیجه ساختار آمریکایی و غربی منطقه؛ سوءاستفاده صهیونیسم از یهودیان برای راه‌انداختن پروژه استعمار در مسیر اهداف انگلیس و آمریکا؛ تلاش استعمارگران برای نابودی ارتش کشورهای منطقه به‌دست خود مردمشان؛ راه‌اندازی سعودی و سپس اسرائیل برای اهداف استعماری غرب در منطقه؛ قاعده تفرقه و غلبه به‌عنوان مصلحت استعمارگران؛ دنباله‌روی و تقلید توسط کشورهای عربی و اسلامی به‌عنوان نقشه ثابت استعمار و استکبار؛ غرب به‌دنبال دیکته کردن منافع خود بر دولت‌های منطقه؛ اسرائیل به‌منزله اهرم برای هژمونی آمریکا در منطقه؛ به‌تاراج رفتن منابع منطقه از سوی غرب؛ پرداخت پول به غربی‌ها از سوی برخی کشورهای عربی برای باقی‌ماندن بر سریر پادشاهی؛ متهم کردن حزب‌الله به بهره‌برداری کردن از برخی گروه‌های سیاسی؛ یهودی‌ها به‌عنوان هیزم‌ها استعمار در گذشته و حضور غرب در شرایط کنونی؛ دسیسه‌گری برخی رسانه‌های غرب؛ راه‌اندازی داعش توسط غرب و اسرائیل برای مقابله با خط مقاومت ایران، سوریه، عراق، یمن، لبنان و فلسطین؛ تلاش آمریکا برای جلوگیری از شکل‌گیری حکومت‌های قدرتمند میان کشورهای عرب و مسلمان برای آلت دست و مطیع کردن آنان؛ تلاش برای ایجاد دشمنی میان شیعه و سنی برای دور کردن شیعه از فلسطین و ایجاد دشمن مشترک میان شیعه و اسرائیل؛ پروژه غرب برای تجزیه نژادی، قومی و مذهبی در منطقه؛ مشکل غرب و برخی عرب‌ها با اصل مقاومت؛ تلاش قبلی غرب و برخی کشورهای

1 <http://moqawama.ir/?speech=901127>

عرب برای القای اولویت مقابله با کمونیسم در منطقه به‌جای پرداختن به مسئله اسرائیل؛ به‌کارگیری تمام امکانات، فناوری‌ها و نظریه‌ها از سوی غرب برای سیطره بر جهان عرب؛ مصادره‌کردن خواسته‌های ملت‌های منطقه توسط غرب و برخی کشورهای عرب؛ ورود غربی‌ها، اسرائیل و برخی عرب‌ها به کشورهای منطقه با پوشش اصلاحات اما با هدف سرنگونی آن‌ها؛ مقابله غرب با نظام‌های برآمده از مردم در منطقه؛ حمایت غرب از برخی کشورهای دیکتاتوری فاقد دموکراسی، آزادی بیان و آزادی مدنی؛ آمریکا به‌عنوان دشمنی فرهنگی؛ ادعای حق اسرائیل برای حضور در قدس به‌عنوان یک خطر فرهنگی و تحریفی دینی و قرآنی؛ تلاش قدرت‌های سلطه‌گر برای ترویج لذت‌ها و شهوات؛ فتاوی شیوخ سعودی درباره عادی‌سازی روابط با اسرائیل به‌عنوان نوعی فاجعه فقهی و نوعی گمراه‌سازی فرهنگی، علمی و فکری؛ صرفاً مشغول امور داخلی کشور خود بودن به‌عنوان بخشی از فرهنگ استعماری؛ باور آمریکا به محقق‌دانستن خود برای جنگ و تحمیل سبک زندگی و فرهنگ و محقق‌دانستن مسلمانان برای اتخاذ موضع دینی؛ تلاش پروژه عادی‌سازی روابط با اسرائیل برای درنوردیدن مرزها به‌منظور رسیدن به نه‌فقط دولت‌ها بلکه ملت‌ها؛ فتنه‌افکنی در میان جهان عرب و اسلام به‌عنوان تنها راه امید اسرائیل و آمریکا برای خروج از بن‌بست راهبردی؛ وجود قیامت رسانه‌ای علیه خط مقاومت؛ وجود ارتش سایبری اسرائیل، غرب و برخی کشورهای عرب در شبکه‌های اجتماعی؛ ایجاد کمربند رسانه‌ای برای اسرائیل با راه‌اندازی تکفیری‌ها؛ تحریک فرقه‌ای در رسانه‌ها از سوی سعودی؛ برخورداری سعودی از هیمنه مالی، رسانه‌ای و فتوا؛ پروژه سلطه برای نشر سخنان آمریکا درباره دموکراسی، آزادی‌های مردمی، انتخابات مردمی آزاد و سالم، حقوق بشر، جامعه مدنی و مبارزه با فساد؛ استفاده از رسانه توسط برخی کشورهای عرب برای دستیابی به کرسی قدرت در منطقه؛ ساختن رسانه و نظریه‌های فرهنگی و رسانه‌ای علیه مقاومت توسط اسرائیل؛ جنگ رسانه‌ای سعودی علیه ایران از ابتدای انقلاب اسلامی؛ استفاده آمریکا از سازمان ملل و تمامی امکانات آن برای مقابله با مقاومت؛ تلاش برای شوراندن بسیاری افراد به‌منظور مقابله با بیداری اسلامی سرتاسر جهان اسلام

#### ۶-۱۰. ابعاد و مصادیق وضعیت واقعی دشمنان

در گفت‌مان سیدحسین نصرالله، آشکارسازی وضعیت واقعی دشمنان برای جلوگیری از برجسته‌سازی گفت‌مان جریان باطل بسیار اهمیت دارد. عدم اتکای اسرائیل و سعودی به نیروی درونی<sup>۱</sup> یا ملعبه‌بودن ادبیات نولیبرال شامل حقوق بشر و دفاع از آزادی<sup>۲</sup> دو نمونه از برملاسازی‌های گفتمانی است.

1. <http://moqawama.ir/?speech=980421>

2. <http://moqawama.ir/?speech=910825>

### جدول ۱۰. ابعاد و مصادیق وضعیت واقعی دشمنان در گفت‌وگو سیدحسن نصرالله

ناشناخته‌بودن خاستگاه‌های دینی، تمدنی، فرهنگی، فکری و ارزشی منطقه برای اسرائیل و غرب؛ عدم درک آمریکا از موضع عقیدتی و نه سیاسی ایران در حمایت از فلسطین؛ نادیده گرفته‌شدن ویژگی‌های زن و مرد در فرهنگ غرب؛ غلبه منطق پراگماتیسم بر استعمار آمریکا؛ متکی‌بودن اسرائیل به معادله دویبخشی حمایت غرب و فروگذاری عرب و نه نیروی درونی؛ متکی‌بودن سعودی به آمریکا و نه نیروی درونی؛ بی‌توجهی غرب به مسیحیان منطقه؛ تقدم و غلبه منافع آمریکا برای نجات‌بخیدن با ایران بر منافع اسرائیل برای جنگیدن با ایران؛ بی‌اهمیت‌بودن ارزش‌ها، حقوق بشر و دفاع از آزادی و مظلومان در منطقه برای غربی‌ها؛ وجود بن‌بست‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در اسرائیل؛ تصور اشتباه غرب از صدمه‌دیدن فرهنگ مقاومت پس از راه‌اندازی فرهنگ تکفیری

### ۶-۱۱. عوامل و مصادیق تقویت‌کننده تمدنی و فرهنگی اسلام

سیدحسن نصرالله برای به‌نتیجه‌رسیدن تمدن اسلامی و گسترش فرهنگ اسلامی براساس وحدت جوامع مسلمان منطقه، عوامل و مصادیقی را مطرح کرده است. این عوامل شامل جنبه‌های فرهنگی، علمی، نظامی، بینشی، سیاسی، رسانه‌ای و سبک زندگی<sup>۱</sup> است. تحقق‌بخشیدن به ایده صدور انقلاب اسلامی ایران<sup>۲</sup> یکی از موارد در شرایط جنگ اراده‌ها و افکار است.<sup>۳</sup>

### جدول ۱۱. عوامل و مصادیق تقویت‌کننده تمدنی و فرهنگی اسلام در گفت‌وگو سیدحسن نصرالله

مقاومت دارای محتوای اخلاقی و تمدنی؛ عملکرد سازمانی حزب‌الله به‌عنوان راز توسعه آن؛ اهمیت تلاش برای حفظ زبان به‌عنوان بخشی از هویت تمدنی در مقابل اقدامات غربی‌ها و ترک‌ها؛ تأکید دین و تمدن اسلامی به علم‌آموزی؛ ضرورت روشنگری از حقیقت اسلام در شرایط جنگ اراده‌ها، افکار، آگاهی و قانع‌سازی؛ ارزش روحی، فرهنگی و تمدنی مراسم‌های بزرگداشت پیروزی‌های مقاومت؛ ضرورت گردهم‌آوردن کشورهای اسلامی براساس عوامل دینی و تمدنی؛ همکاری با اهل و حزب‌الله به‌عنوان عاملی در توسعه منطقه؛ اهمیت ازبین‌رفتن هراس‌های مذهبی در راه توسعه منطقه؛ توسعه توانمندی‌های مقاومت به‌عنوان نوعی توازن‌بازدارندگی و توازن ترس بین مقاومت و اسرائیل؛ داشتن مسئولیت تاریخی برای زنده نگه‌داشتن مراسم‌های حسینی؛ ضرورت چاره‌اندیشی برای تفکر تاریک وهابی و تکفیری صرف‌نظر از پایان داعش؛ ضرورت ایمن‌سازی امت اسلامی؛ ضرورت تلاش فرهنگی و رسانه‌ای برای دوباره گوشزدکردن خطرات و تهدیدات اسرائیل به کشورهای عربی و اسلامی؛ ضرورت جلوگیری از عارضه به خواب غفلت رفتن میان عرب‌ها و مسلمانان؛ ضرورت جلوگیری از اهانت‌های مذهبی به یکدیگر؛ توجه به کشورهای شرق و غرب به‌جز اسرائیل برای کمک به توسعه؛ ضرورت

1. <http://moqawama.ir/?speech=940724>

2. <http://moqawama.ir/?speech=890313>

3. <http://moqawama.ir/?speech=970727>

تقویت مواجهه عقلانی با برخی امور؛ لزوم تلاش برای بر ملاکردن دروغ مبنی بر القای اسرائیل به‌عنوان جزیره دموکراسی در شرق؛ خط امام حسین به‌عنوان تنها امید ملت‌های منطقه برای رهایی از غصب‌شدن داشته‌هایشان؛ توجه به مکتب امام خمینی و شهید سلیمانی؛ نقش حزب‌الله در تغییر فرهنگی منطقه پس از شکست‌دادن اسرائیل و داعش؛ ضرورت ترویج فرهنگ قناعت؛ داشتن دست بالاتر در جنگ روانی به‌دلیل اعتقادات اسلامی؛ ضرورت مبارزه فکری، فرهنگی و علمی با وهابیت در درجه اول؛ امنیت: فرآورده تلاش‌های سیاسی، فرهنگی، تربیتی، رسانه‌ای و اقتصادی؛ اهمیت صدور انقلاب اسلامی مورد نظر امام خمینی؛ وظیفه رسانه‌های مقاومت برای روشن‌کردن چهره‌های حق و باطل؛ ضرورت آماده‌باش رسانه‌ای؛ ضرورت پشتیبانی رسانه‌ای کشورهای منطقه از مقاومت؛ نیازداشتن به راهبرد رسانه‌ای؛ ضرورت دامن‌زدن رسانه‌ای به فتنه میان سنی و شیعه؛ وجود مسئولیت رسانه‌ای برای حمایت از قدس

#### ۶-۱۲. گفتمان فقهی

استفاده از گفتمان فقهی و قواعد فقهی در بیانات سیدحسین نصرالله برجسته است. توجه به واجبات براساس فقه پویای شیعی از جمله موضوعات جاری در گفتمان وی است. همچنین توجه به قواعد فقهی همچون «لا ضرر»، «اشتراک کفار و مسلمانان در تکالیف»<sup>۱</sup>، «شعائر دینی»، «حرمت تعاون بر اثم»، «نفی سبیل» و «احترام مال و عمل مردم» قابل‌احصا هستند (بنگرید به: قانع، ۱۳۹۷).

#### جدول ۱۲. گفتمان فقهی در گفتمان سیدحسین نصرالله

مشارکت میان مسلمانان و مسیحیان در تأمین امنیت، ثبات، کرامت و عدالت به‌عنوان یک اصل دینی و فقهی؛ حمایت از قدس به‌عنوان یکی از اوجب واجبات رسانه‌ای، معنوی و سیاسی؛ اهمیت ورود زنان به رشته‌های رسانه‌ای و علوم انسانی به‌عنوان واجب کفایی؛ تکلیف واجب برای حمایت معنوی و مادی از فلسطین

#### ۷. نتیجه‌گیری

در بازگشت به سؤال و هدف اصلی مقاله و در پرتو ملاحظات نظری و روشی، به‌نظر می‌رسد بیانات سیدحسین نصرالله (مندرج در محورهای دوازده‌گانه در بخش یافته‌ها) واجد مؤلفه‌های گفتمانی از جمله معناسازی، کشف فعالیت‌ها و اتصالات، وجه مایز هویت‌ها، نحوه ساختن روابط اجتماعی، پیچیدگی هدایت و توزیع سیاست‌ها و نیز شفاف‌سازی نظام‌های نشانه‌ای در

1 <http://moqawama.ir/?speech=901118>

جهان اجتماعی منطقه میان دو جریان حق و باطل است. این گفتمان در وجه غیر معرفتی، به افشای چگونگی پیدایش ایدئولوژی استعمارگونه، نحوه عمل و تأثیرات آن بر سرکوب تمدن اسلامی می‌پردازد و در وجه معرفتی به ساخت‌زدایی از انگاره شرق‌شناسی معطوف است. این گفتمان لایه‌های درهم‌تنیده خرد، میانه و کلان در نسبت هویت و تمدن را دربرمی‌گیرد و مفصل‌بندی می‌کند.

طبق نمودار ۱، انگاره‌زدایی در گفتمان سیدحسین نصرالله در دو سطح پیگیری شده است. سطح اول (D<sub>4</sub>)، پس از برجسته‌کردن واقعیات تمدن اسلامی (D<sub>1</sub>) و بیان قلب واقعیات متأثر از فضای شرق‌شناسانه (D<sub>2</sub>&D<sub>3</sub>) مطرح می‌شود. سطح دوم (D<sub>10</sub>&D<sub>11</sub>&D<sub>12</sub>)، پس از اعلام مسیر تمدنی (D<sub>5</sub>&D<sub>6</sub>&D<sub>7</sub>) و مواجهه تمدنی (D<sub>8</sub>) به همراه پروژه‌های سرکوب‌کردن تمدن اسلامی و غالب‌کردن تمدن باطل (D<sub>9</sub>) نمود پیدا می‌کند.



نمودار ۱. شاکله، لایه‌ها و سطوح گفتمانی در بیانات سیدحسین نصرالله

گفتمان سیدحسین نصرالله که برآمده از مبانی معرفتی-سیاسی چارچوب انقلاب اسلامی است، نماینده مناسبی برای گفتمان دینی درباره منازعه حق و باطل است. درون این گفتمان، می‌توان

اجزای متنوع و قانع‌کننده‌ای را یافت و کنار هم قرار داد که در نهایت در پی ساخت‌زدایی و انگاره‌زدایی از پروژه شرق‌شناسی هستند و به تمایزات هویت تمدنی میان نظام سلطه و اسلام منتج می‌شوند. علاوه بر القای نظری و رسانه‌ای، غرب تمام توان خود را در منطقه غرب آسیا معطوف ساخته است تا از بروز تمدن حسینی-مهجوی اسلام جلوگیری کند. در این پروژه ابتدا پراکسیس لازم برای ساخته‌شدن وهابیت از سوی آل‌سعود و سپس ساخته‌شدن اسرائیل از جانب استعمارگران وقت رقم خورده است. داعش یکی از پروژه‌های تکمیلی-اقتضایی برای جلوگیری از بیداری و تمدن‌سازی اسلامی است. این‌ها همگی در گفت‌وگو با سیدحسین نصرالله با ادبیاتی مترکم در چارچوب اعتقادات قرآنی و توحیدی بیان شده است.

در گفت‌وگو مذکور، غیریت‌سازی شرق (در اینجا یعنی اسلام) از سوی غرب برای مطروودسازی تمدن اسلامی از عرصه معنایی گفت‌وگویی با لوازمی همچون برجسته‌سازی، حاشیه‌رانی، اسم‌سازی و هویت‌سازی در عرصه دال و مدلول‌ها پیگیری شده است. در این راستا، غرب از تمامی توان سیاسی-اقتصادی و معرفتی-دانشی برای غالب‌کردن تمدن خود طی چند سده اخیر در منطقه غرب آسیا استفاده کرده است. پس مشخص می‌شود که حتی بخش قابل‌توجهی از نظریه‌های علوم اجتماعی براساس دستگاه فهم قدرت-دانش فوکویی در راستای تمدن‌سازی (یا تمدن‌پردازی) برای غرب و تمدن‌زدایی برای شرق (و اسلام) بوده‌اند.

## منابع

- آنادایوپ، شیخ (۱۳۶۱). هویت فرهنگی. پیام بونسکو، ۱۴۹، ۴-۷.
- الیوت، آنتونی و ترنر، برایان (۱۳۹۰). برداشت‌هایی در نظریه اجتماعی معاصر. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: جامعه‌شناسان.
- باقری، سیامک (۱۳۹۳). ارزش ضد امنیتی جریان‌سازی افراط و تکفیر با تأکید بر تئوری جنگ تمدن‌ها. پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، ۱۱، ۲۹-۶۱.
- بهروز، صمد (۱۳۹۸). مؤلفه‌های تأثیرگذاری حداکثری انقلاب اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲۸، ۲۵-۴۷.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.

- ریتزر، جرج (۱۳۸۹). *مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: ثالث.
- سردار، ضیاءالدین و وان‌لون، بورین (۱۳۸۸). *فرهنگ‌شناسی*. ترجمه زهره هدایتی. تهران: شیرازه و پردیس دانش.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲). *فرهنگ و امپریالیسم*. ترجمه اکبر افسری. تهران: توس.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۰). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- طاهری، سیدمهدی (۱۳۹۱). *بازخوانی پیام‌های عاشورا در جنبش حزب‌الله لبنان*. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۳(۱)، ۷۱-۹۳.
- عرفان‌منش، ایمان (۱۴۰۰). *تناظر اصل قوم‌مداری روش‌شناختی ماکس وبر با جامعه‌شناسی بومی-تمدنی: پردازشی مفهومی برای تمدن-جامعه‌شناسی*. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱۱(۱)، ۱۶۹-۱۹۰.
- قانع، احمدعلی (۱۳۹۷). *قواعد فقه در میدان فرهنگ و ارتباطات*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- کالینیکوس، آکس (۱۳۹۷). *درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی*. ترجمه اکبر معصوم‌بیگی. تهران: آگه.
- کوش، دنی (۱۳۹۷). *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*. ترجمه فریدون وحید. تهران: سروش.
- کرکوف، فیلیپ (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی‌های نوین: بین امر جمعی و امر فردی*. ترجمه علی‌رضا خدای. تهران: آمه.
- گاندی، لایلا (۱۳۸۸). *پسا استعمارگرایی*. ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکاسلطانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مبینی، محمد و قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸). *دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسن نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت*. *آفاق امنیت*، ۴۴: ۵-۳۳.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۳). *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*. تهران: همشهری.
- Chatterjee, P. (2020) *The Nation and Its Fragments: Colonial and Postcolonial Histories*, U K: Princeton University.
- iii , 11 eeeee eeeee eee iiiiii iii , *Educational Administration*, 23(4): 11-24.
- Gee, J.P. (2005) *An introduction to discourse analysis: Theory and method*, UK & NY: Routledge.
- Huntington, S.P. (1968) *Political order in changing societies*, US: Yale University.
- Sardar, Z. (1999) *Orientalism*, US: Open University Press.
- Turnner, B.S. (1974) *Weber and Islam: A critical study*, London: Routledge & Kegan Paul.
- <http://moqawama.ir>



پیوست: لینک بیانات سیدحسن نصرالله

<a href="http://moqawama.ir/?speech=14000318">http://moqawama.ir/?speech=14000318</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=940820">http://moqawama.ir/?speech=940820</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=990417">http://moqawama.ir/?speech=990417</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=940722">http://moqawama.ir/?speech=940722</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=991007">http://moqawama.ir/?speech=991007</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=940320">http://moqawama.ir/?speech=940320</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980619">http://moqawama.ir/?speech=980619</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=941013">http://moqawama.ir/?speech=941013</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980421">http://moqawama.ir/?speech=980421</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930109">http://moqawama.ir/?speech=930109</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980310">http://moqawama.ir/?speech=980310</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930304">http://moqawama.ir/?speech=930304</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980810">http://moqawama.ir/?speech=980810</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930805">http://moqawama.ir/?speech=930805</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980619">http://moqawama.ir/?speech=980619</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930118">http://moqawama.ir/?speech=930118</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980213">http://moqawama.ir/?speech=980213</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930523">http://moqawama.ir/?speech=930523</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=981124">http://moqawama.ir/?speech=981124</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930524">http://moqawama.ir/?speech=930524</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=981015">http://moqawama.ir/?speech=981015</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930316">http://moqawama.ir/?speech=930316</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980504">http://moqawama.ir/?speech=980504</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930805">http://moqawama.ir/?speech=930805</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=980803">http://moqawama.ir/?speech=980803</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930503">http://moqawama.ir/?speech=930503</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970318">http://moqawama.ir/?speech=970318</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=930812">http://moqawama.ir/?speech=930812</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970217">http://moqawama.ir/?speech=970217</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920525">http://moqawama.ir/?speech=920525</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970211">http://moqawama.ir/?speech=970211</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920511">http://moqawama.ir/?speech=920511</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970124">http://moqawama.ir/?speech=970124</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920219">http://moqawama.ir/?speech=920219</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970727">http://moqawama.ir/?speech=970727</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920929">http://moqawama.ir/?speech=920929</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970612">http://moqawama.ir/?speech=970612</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920701">http://moqawama.ir/?speech=920701</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970523">http://moqawama.ir/?speech=970523</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920912">http://moqawama.ir/?speech=920912</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970201">http://moqawama.ir/?speech=970201</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920523">http://moqawama.ir/?speech=920523</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970628">http://moqawama.ir/?speech=970628</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=920813">http://moqawama.ir/?speech=920813</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970604">http://moqawama.ir/?speech=970604</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=921127">http://moqawama.ir/?speech=921127</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970408">http://moqawama.ir/?speech=970408</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910926">http://moqawama.ir/?speech=910926</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970304">http://moqawama.ir/?speech=970304</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910312">http://moqawama.ir/?speech=910312</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=970119">http://moqawama.ir/?speech=970119</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910111">http://moqawama.ir/?speech=910111</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960819">http://moqawama.ir/?speech=960819</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910905">http://moqawama.ir/?speech=910905</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960606">http://moqawama.ir/?speech=960606</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910511">http://moqawama.ir/?speech=910511</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=961127">http://moqawama.ir/?speech=961127</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=911106">http://moqawama.ir/?speech=911106</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960609">http://moqawama.ir/?speech=960609</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=911014">http://moqawama.ir/?speech=911014</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960402">http://moqawama.ir/?speech=960402</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910825">http://moqawama.ir/?speech=910825</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960920">http://moqawama.ir/?speech=960920</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910613">http://moqawama.ir/?speech=910613</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960709">http://moqawama.ir/?speech=960709</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910428">http://moqawama.ir/?speech=910428</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960126">http://moqawama.ir/?speech=960126</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910720">http://moqawama.ir/?speech=910720</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=961013">http://moqawama.ir/?speech=961013</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910504">http://moqawama.ir/?speech=910504</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960916">http://moqawama.ir/?speech=960916</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910325">http://moqawama.ir/?speech=910325</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=960708">http://moqawama.ir/?speech=960708</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910613">http://moqawama.ir/?speech=910613</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=951128">http://moqawama.ir/?speech=951128</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910504">http://moqawama.ir/?speech=910504</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=951228">http://moqawama.ir/?speech=951228</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910305">http://moqawama.ir/?speech=910305</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950305">http://moqawama.ir/?speech=950305</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=911128">http://moqawama.ir/?speech=911128</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=951202">http://moqawama.ir/?speech=951202</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=910222">http://moqawama.ir/?speech=910222</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950808">http://moqawama.ir/?speech=950808</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=901118">http://moqawama.ir/?speech=901118</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=951003">http://moqawama.ir/?speech=951003</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=901225">http://moqawama.ir/?speech=901225</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950231">http://moqawama.ir/?speech=950231</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=901205">http://moqawama.ir/?speech=901205</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950223">http://moqawama.ir/?speech=950223</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900912">http://moqawama.ir/?speech=900912</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950802">http://moqawama.ir/?speech=950802</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900802">http://moqawama.ir/?speech=900802</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950717">http://moqawama.ir/?speech=950717</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900604">http://moqawama.ir/?speech=900604</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950529">http://moqawama.ir/?speech=950529</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900316">http://moqawama.ir/?speech=900316</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950508">http://moqawama.ir/?speech=950508</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=901127">http://moqawama.ir/?speech=901127</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950217">http://moqawama.ir/?speech=950217</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900311">http://moqawama.ir/?speech=900311</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950102">http://moqawama.ir/?speech=950102</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900915">http://moqawama.ir/?speech=900915</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=950411">http://moqawama.ir/?speech=950411</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900802">http://moqawama.ir/?speech=900802</a>

<a href="http://moqawama.ir/?speech=950102">http://moqawama.ir/?speech=950102</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=900504">http://moqawama.ir/?speech=900504</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=951007">http://moqawama.ir/?speech=951007</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890512">http://moqawama.ir/?speech=890512</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=941216">http://moqawama.ir/?speech=941216</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=891127">http://moqawama.ir/?speech=891127</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940107">http://moqawama.ir/?speech=940107</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890924">http://moqawama.ir/?speech=890924</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940815">http://moqawama.ir/?speech=940815</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890314">http://moqawama.ir/?speech=890314</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940724">http://moqawama.ir/?speech=940724</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890313">http://moqawama.ir/?speech=890313</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940716">http://moqawama.ir/?speech=940716</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=891228">http://moqawama.ir/?speech=891228</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940317">http://moqawama.ir/?speech=940317</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=891026">http://moqawama.ir/?speech=891026</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940801">http://moqawama.ir/?speech=940801</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890612">http://moqawama.ir/?speech=890612</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940215">http://moqawama.ir/?speech=940215</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890907">http://moqawama.ir/?speech=890907</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=941211">http://moqawama.ir/?speech=941211</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=890503">http://moqawama.ir/?speech=890503</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940506">http://moqawama.ir/?speech=940506</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=880327">http://moqawama.ir/?speech=880327</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940419">http://moqawama.ir/?speech=940419</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=821109">http://moqawama.ir/?speech=821109</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=941006">http://moqawama.ir/?speech=941006</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=820830">http://moqawama.ir/?speech=820830</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940503">http://moqawama.ir/?speech=940503</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=811118">http://moqawama.ir/?speech=811118</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=940117">http://moqawama.ir/?speech=940117</a>	<a href="http://moqawama.ir/?speech=731205">http://moqawama.ir/?speech=731205</a>
<a href="http://moqawama.ir/?speech=941127">http://moqawama.ir/?speech=941127</a>	

